

فتر

وودها

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

د فترسرودها

بیاد بود بیستمین سالگرد شانزدهم آذر

بخاطره ناصر قندی ، مصطفی بزرگ نیا و آذر شریعت رضوی

بیاد پرشکوه همه رزمندگان که در مبارزه
علیه رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه در
زندانیها ، شکنجه گاهها و میدانهای
تیر دلی رانها با سرود زندگی بر لب
در راه آرمان بزرگ خلق
جان دادند و تسلیم نشدند

تقدیم میشود .

کشف راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

۱۶ آذر ۱۳۵۲

شانزدهم آذر

بار دیگر شانزدهم آذر آمد و سر بسر

در قلوب مردم شعریه افکند

جنبش دانشجوئی ایران بخون شهیدان

در ره خلقمندان خورد سوگند

که تا آخرین نفس، آخرین نفس

کوشیم و بشکنیم دیوار این قفس

در ره ازادی ایران (۲)

شریعت رضوی قندچی بزرگ نیاید

گشتند شهید در ره ستیزه با ارتجاع

خون آنها نهال همبستگی ما را

حکم کرد و استوار با جنبش تو دها

یک دل و یک جان متحد

در ره آنها نهیم گام

تا انقلاب ایران پیش رود تا سرانجام

شریعت رضوی

گشتند شهید

خون آنها

تا انقلاب ایران پیش رود تا سرانجام

سی تیر (بیاد شهیدان سی تیر ۱۳۳۱)

بیا تا بیاد شهیدان تیر
که رفتند در راه فتح و امید
بدان اخترانی که افروختند
دل و جان بدامان صبح سید

بپا کنیم پرچم خشم و کین را
پی افکنیم زنده گانی نویسن
خروش ما برکنند بنای بیداد
بسررسد این نبرد آخرین

دُمد لاله‌ای از دل کوه و دشت
بیاد عزیزش شهیدان ما
خروشد کتون آتش انتقام
زهرگوشه خاک ایسران ما

بپا کنیم

پی

خروش ما

بسررسد این نبرد آخرین

قطره‌های خون (سرود شهیدان)

آنها رفتند ولیکن	باز این دژخیم پلید
از هر قطره خون	از گلستان خلق
در بستان رزم خلق	گل‌هایی تازه رسس
زان پس تا کنون	از هر اسسش رسود
هزاران گل شکفت	لا لا لا لا
رزم خلق جاویداناست	باز موج خشمی عظیم
دشمن سرنگون	دردل خسر و پیر
پیکاری قهرآمیز	جوشان و گشت و به پیش
راهی بس گلگون	قسطع ترونه بود
مملو از خیز وافت	لا لا لا لا
لا لا لا لا لا لا	آنها رفتند ولیکن

آنها رفتند ولیکن
از هر قطره خون
در بستان رزم خلق
زان پس تا کنون
هزاران گل شکفت
رزم خلق جاویداناست
دشمن سرنگون
پیکاری قهرآمیز و
راهی بس گلگون
مملو از خیز وافت
در جهان به از این راهی
بهرمانیست بهرمانیست
راهها جز ره خلق چیست

سایه گل

تا قهر انقلاب رهنمون ماست
تا عشق توده ها در وجود ماست
فتح آخرین پیشک از آن ماست
تا اتحاد ما برپا برپا برپاست (۲)

شهمید جنـگل

یـل سـیه کل

بتیرگی ها زدی تو صیقل

خاطرت در دل جاودان شده

نام تو جاری بر زبان شده

نشارتو درود ما

بنام تو سرود ما (۲)

پیمان ما با تو تا گسستنی است

بیکارتو درهم نداشتنی است

چون مسلح است رسم نبرد تو

صبح پیروزی باشد از آن تو

شکست دیروز، تلاش امروز

نوید فردا، فردای پیروز (۲)

خون تو جوشد در وجود ما

قهرتو باشد رهنمود ما

نشارتو درود ما

بنام تو سرود ما (۲)

جملگی گشته بهرا انقلاب آماد ه
از جنگل تا سیه کل خصم از یا افتاد ه
میا مدم بگوش پرجوش و پرخروش
نغمه شلیک رگبار مسلسلها
از قلب تاریک و از اعماق جنگلها
لا لا لا

استعطر یکسوار تجاع با او
سوی دیگر خلق و دران قشر دانشجو
جنبش خلق نافذ در هر بزن و هر کوه
کارگر بزرگان روشنفکران هم صف
همدوش خلق میهن جملگی جان برکف
لا لا لا

ره پر پیچ و خم آیند ه روشن
از سختی از قربانی از مرگ نهراسیم
تا پیروزی را بیشک از آن خود سازیم
حیدر پیدا شد ه کوچک بر پا شد ه
ژاهی گلگون از خرداد خونین میسر
پی گیرش ای هموطن پویش تا با آخر
لا لا لا

اتحاد ، مبارزه ، پیروزی

توده پرشور دانشجویان

اکنون دیگر رشد جنبش خلق خواهد

که اتحاد ما محکمتر گردد

در ره انقــــــــــــــــلاب ایران

مرگ بر ارتجاع شاه دیواساء

مرگ بر امپریالیستها پا گلی غولها

پیــــــــــــــــگیزی ما در مبارزه

صد چندان بساید رفیقان

مبارزه را چون پیش رانیم

نابود گردانیم امپریالیسم ارتجاع

پیــــــــــــــــروزی با مــــــــــــــــاست

زیرا که بستیم با انقلاب خلق پیطان

سازمان ما کنگد راسیون را

مستحکم گردانیم ضد ارتجاع

رهنمون ما همواره یــــــــــــــــاشد

اتحاد مبارزه پیروزی - اتحاد مبارزه پیروزی

بنیروی خلاق علم و هنر درخشان نما زندگی
گسل با فشردن صفاتحاد قیود عقب ماندگی

برپا خیز با هم آمیز

علم و زندگی را ای جوان

"دانشجو با نور علم

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

بدست جنایتگران

شده خاک ایران با غرق خون

بناهای غارتگران

بنیروی دانشکنیم سرنگون

برپا

علم

"دانشجو

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

همه دانش وجد و جهد

گزاریم در خدمت اجتمع

برای وفای بعهد

بسان "سه دانشجو" آماده ایم

برپا

علم

"دانشجو

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

کل کندم

شب و روز آمد و رفت از پی هم
ارباب وزمانه تو خوردی تازیانده
دلی دارم دلسی در کشت گندم
که زجانده دلت را که برد حاصل ترا
در آن روزی که خرمن میفشانم
بجوشان کینفات را سپر کن سینما را

سرم سودائی و سودا کجا بود
بفکر خود خودت باش مکن آه و مگو کاش
زمستان رفت و سرماها سرآمد
بهار آید بخانه زما گیرد نشانه

بصحرا رفتم و زمین را کندم (۲)
زدرد و پربلائی بزردی مبتلائی "
دلی در سینه دارم مال مرد
اگر صد سال ندانی اسیر خان بمانی
کل حسرت بدل می نشانم (۲)
قریان داستان پر پینفات آن دل
پر کینفات (۲)

در این عالم که جز ما فکر ما بود "
آخر در دل حسرت بمیرد دردت
درمان پذیری (۲)
بهار زندگی اما نیامد "
همه صحرا را خرم ببینم گل گندم ببیند

بریا ای هموطن

یاران شدند گلگون کفن
سرها گشته دور از بدن
انقلاب دیگری ز نوپا کنیم
از راه خلق ما دفاع کنیم
صد ها نفر جان او پا نهد

بریا بریا ای هموطن
از زندان ها از شکنجه ها
اینک برای بار دیگر بپا شویم
در راه خلق جان فدا کنیم
در راه خلق کریک نفر قهرمان جان نهد

امید فردا

دارم امید آنکه فردا پاک و زیبا
سرزند خورشید زندگی‌ها
روشنی بخشد این سرزمین‌ها
لالا لای لای لای
در این دو روز زندگانی زندگانی
کز برای دل ما شرنک است
چونکه دل شیشه و غصه سنگ است
لالالای لالای . . .

بپا خیزید نوجوانان پرزنیرو
پروریند در سینه خشم جوشان
سرد هید در راه خانه دوشان
بیاری علم و دانش سعی و کوشش
در ره اتحاد ستمکش
بکسلیم زنجیر بردگی را
لالالای لالا

بیاری خلق ایران ای رفیقان
برکنسیم پایه کاخ دیوان
پاک و زیبا کنیم خاک ایران
لالالای لالا

سرود شماره ۱ کنفد راسیون (مصوب کنکره لوزان)

از هنر جهان زنده کرد
پی هنر کرا زندگیست
کر چراغ دانش نبا شد
زندگی همد تیر کیست
بسایه پرچم و هنر
همه کنیم یک پیکر
ز پرتو دانش شود جهان
قرین بگام جاویدان
باشستی بگردد پیش
ز بد اختر تا خاور
چو گیتی اید یکسر از فنون
جهانیان را در فرمان
به پای پای بدین سرود پرطنین
به پیش بگام آهنین
به پیش پیش بجستجوی زندگی
ببرون ز جهل و تیرگی

زوزد باد

گفش یارد بکنراز کودها	زوزد باد و باران و توفان
آنجا که میزند رخشد خورشید (۲)	برای پیروزی، بهسار فرنا
تا اش در خون خود داریم	تا جان در تن و شور در دلم داریم
ما پیمان فتح در دل داریم (۲)	از پای نشینیم در راهی که بستیم
برکنند این خانه بیداد	تو در خلق چیرد شود روزی
بفرراز کوههای ایران (۲)	افراشته کردد پرچم انقلاب تا
انقلاب با پیروزی بند شد	راد ما راد تو دها باشد
بفرراز کوههای ایران (۲)	افراشته کردد پرچم انقلاب تا

قهرمانان

باید برویم همگی بره خلق ایران (۲)	ای جوانان رفقا قهرمانان
یرلانه وکل بشود همه جا چون گلستان (۲)	از خون ما رفقا لاله رویه شد
دررد خصلق جان بیازیم	چون دماوند سرعزازیم
یک پا ننهیم قدمی بعقب تا دم مرگ	در راه وطن خون کریچکد بار دیکر
دررد خصلق جان بیازیم	چون شمشیر میدان سرفرازیم
یک پا ننهیم قدمی بعقب تا دم مرگ	در راه وطن خون کریچکد بار دیکر

لالائی بیداری

لالای لای لای گل پونه
 بابات رفسته دلم خونه
 بابات امشب نمی آید
 گرفتن ببردنش شاید
 بخواب آروم چراغ من
 گل شب بوی باغ من
 بابات شب رفسته از خونه
 که خورشید و بجنبوننه
 لالای لای لای گل انجیر
 بابات داره بیاش زنجیر
 بیاش زنجیر صد خرواره
 چشاش خواب و دلش بیدار
 بخواب آروم گل خورشید
 بابات حال تو رو پرسید
 بهش گفتم که شیبری تو
 بی او را می گیبری تو
 لالای لای لای گل امید
 باباتو برده اند تبعید
 دلی مانند کوه داره
 بچش صد تا عموداره
 بخواب فردا سحر میشه
 شب از عالم بدر میشه

خراب میشه در زندون
 بابات خونه میاد خنودون
 لالای لای لای گل آهن
 باباتو دشمن کشتن
 نشون دشمن اوننه
 دساشون غرقه در خونه
 بخواب آروم توی بستر
 شه آتیش تو خاکستر
 که فردا شعله ور میشی
 تو خونخواه پدر میشی
 لالای لای لای گل کی نه
 زمین از کشته رنگینه
 زمین رنگی من نمیمونه
 دلت بر کی من نمیمونه
 بخواب اعیون عزا داره
 که اعیون دختر داره
 عروس من میشه دختر
 جهون ایمن میشه یکسر

چه کسی خواهد من و تو ما نشویم

چه کسی خواهد من تو ما نشویم	خانهاش ویران و عمرش نیست باد
من اگر ما نشویم تنهائیم	تو اگر ما نشوی خویشتنی
تو میدار که این خاموشی من	هست برهان فرا موشی من، فرا موشی من
تو میدار که این تنهائی تو	هست برهان بر جدائی تو، جدائی تو
ای روشنفکر با خلق در امیز	همراه خلق همراه خلق، دشمن تو بستیز
از کجا که من و تو دست بدست	شورا انقلاب بر پا نکنیم
از کجا که من و تو متحد	مشقت رسوایان را نکنیم
من اگر بنشینم تو اگر بنشینی	چه کسی بر خیزد چه کسی باد دشمن خلق ستیزد
من اگر بر خیزم تو اگر بر خیزی	همراه برمی خیزند

www.iran-archive.com

هم چو دریای کرائی مام طوفانی
مهد آرش مهد کاوهای آشیان شیرانی (۲)
هم چو کوهی پرتوانی مرز گردانی
مهد مزدک مهد بابک آشیان شیرانی (۲)
هم چو آتش شعله بخشی پاک و جاودانی
مهد ستار مهد حیدر آشیان شیرانی (۲)
هم چو خورشیدی فروزان گرم و تابانی
مهد روزبه مهد بهرنگی آشیان شیرانی (۲)

انترناسیونال

بر خیزای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
انگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند
روز قطعی جدال است
تنها ما توده جهانی
اردوی بیستار کسار
داریم حقوق جهانبانی
نه که خونخواران غدار
گرد وقتی رعد مرگ اور
بر رهزنان و دژخیمان
در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نورافشان
روز قطعی (۲)

آخرین رزم ما

انترناسیونال است

نجات انسانها

بر ما نبخشد فتح و شادی
خدا، نه شه، نه قهرمان
با دست خود گیریم ازادی
در پیکارهای بسی امان
تا ظلم از عالم بر روییم
نعمت خود آریم بدست
دمیم آتش را بکوییم
تا وقتی که آهن گرم است
روز قطعی جدال است

DIE INTERNATIONALE

Wacht auf, Verdammte dieser Erde,
die stets man noch zum Hungern zwingt!
das Recht wie Glut im Kraterherde
nun mit Macht zum Durchbruch dringt.
Reinen Tisch macht mit dem Bedränger!
Heer der Sklaven, wache auf!
Ein Nichts zu sein, tragt es nicht länger,
Alles zu werden, strömt zuhauf!

:/: Völker hört die Signale
Auf zum letzten Gefecht!
Die Internationale
erkämpft das Menschenrecht!

Es rettet uns kein höheres Wesen,
kein Gott, kein Kaiser, noch Tribun.
Uns aus dem Elend zu erlösen,
können wir nur selber tun!
Leeres Wort: des Armen Rechte!
Leeres Wort: des Reichen Pflicht!
Unmündig nennt man uns und Knechte,
duldet die Schmach nun länger nicht!

:/: Völker hört

In Stadt und Land, ihr Arbeitsleute,
Wir sind die stärkste der Partei'n .
Die Müßiggänger schiebt beiseite!
Diese Welt muß unser sein!
Unser Blut sei nicht mehr der Raben
und der nächt'gen Geier Fraß!
Erst wenn wir sie vertrieben haben,
dann scheint die Sonn' ohn' Unterlaß!

:/: Völker hört

THE INTERNATIONALE

Arise ye prisoners of starvation,
Arise ye wretched of the earth.
For justice thunders condemnation,
A better world s in birth.
No more tradition s chains shall bind us,
Arise ye slaves no more in thrall.
The earth shall rise on new foundations,
We have been naught, we shall be all.

'tis the final conflict,
Let each stand in his place.
shall be the human race.
'tis the final conflict.
Let each stand in his place!
shall be the human race.

We want no condescending saviours
To rule us from their judgement hall.
We workers ask not for their favors,
Let us consult for all.
To make the thief disgorge his booty
To free the spirit from its cell.
We must ousselves decide our duty,
We must decide and do it well.

'tis the final conflict

Toilers from shops and fields united,
The union of all who work.
The earth belongs to us the workers,
No room here for those who shirk.
How many on our flesh have fattened,
But if the bloody birds of prey
Shall vanish from the sky some morning,
The golden sunlight will stay.

'tis the final conflict

L' INTERNATIONALE

Debout, les damnés de la terre,
Debout, les forcats de la faim.
La raison tonne en son cratere,
C'est l' éruption de la fin.
Du passe, faisons table rase
Foule esclave debout, debout
Le monde va changer de base,
Nous ne sommes rien, soyons tout.

Refrain

C'est la lutte finale,
Groupons-nous et demain } (bis)
L' internationale
Sera le genre humain.

II

Il n'est pas de sauveurs suprêmes:
Ni Dieu, ni César, ni tribun;
Producteurs, sauvons-nous nous-mêmes!
Décrétons le salut commun!
Pour que le voleur rende gorge.
Pour tirer l'esprit du cachot,
Soufflons nous-mêmes notre forge,
Battons le fer quand il est chaud!

Refrain

C'est la lutte finale

III

Ouvriers, paysans, nous sommes
Le grand parti des travailleurs;
La terre n'appartient qu'aux hommes,
L'oisif ira loger ailleurs.
Combien de nos chairs se repaissent,
Mais si les corbeaux, les vautours
Un de ces matins disparaissent,
Le soleil brillera toujours,

Refrain

C'est la lutte finale

DAS SOLIDARITÄTSLIED

Vorwärts, und nicht vergessen,
worin unsere Stärke besteht!
Beim Hungern und beim Essen
Vorwärts, nie vergessen
die Solidarität!

Auf, ihr Völker dieser Erde,
einigt euch in diesem Sinn:
daß sie jetzt die eure werde
und die große Nährerin.

Vorwärts, und nicht vergessen,
worin unsere . . .

Schwarzer, Weißer, Brauner, Gelber!
Endet ihre Schlächtereien!
Reden erst die Völker selber,
werden sie schnell einig sein.

Vorwärts, und nicht vergessen,
worin unsere . . .

Wollen wir es schnell erreichen,
brauchen wir noch dich und dich,
Wer im Stich läßt seinesgleichen,
läßt ja nur sich selbst im Stich.

Vorwärts, und nicht vergessen,
worin unsere . . .

Unsere Herrn, wer sie auch seien,
sehen unsere Zwietracht gern,
denn solange sie uns entzweien,
bleiben sie doch unsere Herrn.

Vorwärts, und nicht vergessen,

Proletarier aller Länder
einigt euch, und ihr seid frei!
Eure großen Regimenter
brechen jede Tyrannei!

Vorwärts, und nie vergessen,
und die Frage konkret gestellt
beim Hungern und beim Essen :
Wessen Morgen ist der Morgen?
Wessen Welt ist die Welt ?

DAS EINHEITSFRONTLIED

Und weil der Mensch ein Mensch ist,
drum braucht er was zum Essen, bitte sehr.
Es macht ihn ein Geschwätz nicht satt,
das schafft kein Essen her

Drum links, zwei, drei!
Drum links, zwei, drei!
Wo dein Platz Genosse ist!
Reih dich ein in die Arbeitereinheitsfront,
weil du auch ein Arbeiter bist.

Und weil der Mensch ein Mensch ist,
drum braucht er auch noch Kleider und Schuh!
Es mach ihn ein Geschwätz nicht warm
und auch kein Trommeln dazu.

Drum links, zwei, drei!
Drum ...

Und weil der Mensch ein Mensch ist,
drum hat er Stiefel im Gesicht nicht gern.
Er will unter sich keinen Sklaven sehen
und über sich keinen Herrn.

Drum links, zwei, drei!
Drum ...

Und weil der Prolet ein Prolet ist,
drum wird ihn kein anderer befreien,
Es kann die Befreiung der Arbeiter nur
das Werk der Arbeiter sein.

Drum links, zwei, drei!
Drum ...

www.iran-archive.com



**CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS
(NATIONAL UNION)**

6 FRANKFURT 16

Postfach 16247 – West Germany

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی